

**Predigt zum Sonntag „Kantate“, 10. Mai 2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

2. Chronik 5,2-5.11-14:

دوم تواریخ باب ۵ آیات ۲ الی ۵ و ۱۱ تا ۱۴

۲ آنگاه سلیمان مشایخ اسرائیل و جمیع رؤسای اسباط و سروران آبابی بنی اسرائیل را در اورشلیم جمع کرد تا تابوت عهد خداوند را از شهر داود که صهیون باشد، برآورند.

۳ و جمیع مردان اسرائیل در عید ماه هفتم نزد پادشاه جمع شدند.

۴ پس جمیع مشایخ اسرائیل آمدند و لایوان تابوت را برداشتند.

۵ و تابوت و خیمه اجتماع و همه آلات مقدس را که در خیمه بود برآوردند، و لایوان گهنه آنها را برداشتند.

۱۱ پس الان مرا بشنوید و اسیرانی را که از برادران خود آورده‌اید، برگردانید زیرا که حدت خشم خداوند بر شما می‌باشد.»

۱۲ آنگاه بعضی از رؤسای بنی‌افرایم یعنی عزریا ابن یهوحنان و برگیا ابن مشلیموت و یحزقیابن شلوم و عماسا ابن حدلای با آنانی که از جنگ می‌آمدند، مقاومت نمودند.

۱۳ و به ایشان گفتند که «اسیران را به اینجا نخواهید آورد زیرا که تقصیری به ضد خداوند بر ما هست؛ و شما می‌خواهید که گناهان و تقصیرهای ما را مزید کنید زیرا که تقصیر ما عظیم است و حدت خشم بر اسرائیل وارد شده است.»

۱۴ پس لشکریان، اسیران و غنیمت را پیش رؤسا و تمامی جماعت واگذاشتند.

اعضای گرامی، آواز خواندن دوباره در این موقعیت بسیار محبوب است. ایتالیایی‌ها این کار را کردند. اکنون از بالکن‌های همه جا آواز می‌خوانند یا کنسرت‌های کوچک در باغ‌های جلو و روبروی پنجره‌های باز اجرا می‌کنند. بسیاری از آنها برای اولین بار ترانه‌ای را با همسایگان خود ضبط کرده‌اند. چند هفته پیش، آنها هرگز نمی‌توانستند تصور کنند که این امکان پذیر باشد. اما ممکن بود و "ماه طلوع کرده است". آواز خواندن فقط برای تفریح نیست. آواز خواندن در اینجا به عنوان "اقدامی دلگرم کننده" در بحران کورونا قابل درک است. این رفتار باید تشویق شود، در زندگی روزمره ادغام شود و جامعه را متحد یا تقویت کند.

همه اینها همچنین مهم است وقتی در کلیسا با هم آواز می‌خوانیم. مطمئناً ما در اینجا می‌خوانیم تا خدا را ستایش کنیم. به همین دلیل است که بیشتر موسیقی مبتنی بر متن نسبت به موسیقی ساز در کلیسا وجود دارد. و البته این در مورد خودنمایی نوازندگان یا در مورد شهرت و پول برای آهنگسازان نیست. موسیقی کلیسا مربوط به مردم نیست، بلکه درباره خدا است. اما دقیقاً در این است که برای مردم خوب است. همچنین ما را تشویق می‌کند، اعتماد به نفس ما را تقویت می‌کند، ما را از درون لمس می‌کند و با یکدیگر و با خدا متصل می‌کند.

این یک تجربه جدید نیست. تقریباً 3000 سال پیش وقتی معبد اورشلیم افتتاح شد ، که ما فقط درباره آن شنیدیم. این تقدیس معابد بیش از یک تقدیس کلیسا بود. وقتی کلیسای جدید ساخته می شد و مورد تقدیر قرار می گرفت ، . کلیساهای زیادی در پیرامون ما وجود دارد. اما معبد بی نظیر بود. معبد نه تنها اولین چیزی بود که در اسرائیل حضور داشت بلکه تا به امروز تنها چیزیست که باقی مانده است. و این فقط یک اتاق اجتماعات برای جماعت نبود - طوری بود که اکنون هم در برخی از کلیساهای دیده می شود. او خانه خدا بود ، خانه او. در اینجا کاملاً واضح بود که می توانید او را ملاقات کنید ، با او صحبت کنید ، بخشش او را دریافت کنید.

چنین مکانی تنها از زمانی که خدا ده فرمان را به قوم خود داد وجود داشته است. این ده فرمان باید در صندوق عهد نگه داشته می شد. صندوق عهد نیز باید در داخل خیمه نگهداری می شد. مارتین لوتر همیشه در ترجمه خود از "خیمه" صحبت می کند . دو فرشته بر روی درب صندوق عهد به عنوان "پایه های تخت پادشاهی خدا" درک می شد. نشانه حضور او همیشه در ابر بود، که در خیمه یا سرگناه قبل از آنها در صحرا ساکن بود.

پس از آن که پیاده روی در کویر به پایان رسید و آنها به مقصد خود رسیدند و بنی اسرائیل در "سرزمینی که شیر و عسل در آن جریان دارد" مستقر شد ، خداوند نیز باید خانه دائمی داشته باشد و دیگر خانه وی خیمه نباشد. داوود پادشاه پیش از این برنامه ریزی کرده بود که برای او معبدی بسازد ، اما این تنها پسرش سلیمان بود که این نقشه را عملی ساخت. پس از اتمام ساختمان ، "نقل مکان " خدا اکنون در اینجا صورت می گیرد: صندوق عهد از خیمه برداشته شده و در طی یک تشریفات به معبد منتقل می شود. تمامی سران کشور ، اشرافیان و بزرگان سیاسی و مذهبی مشتاقانه در صف جلو قرار دارند. هر آن کس توان راه رفتن دارد آمده است ، زیرا چنین رویدادی حداکثر هر چند صد سال اتفاق می افتد. گروه کر را بیش از ۴۰۰ کشیش از لایوان با لباس های جشن تشکیل می دهند . آنها با همراهی با گروه کر بادی قدرتمند ، سازهای کوبه ای و سازهای زهی ، آهنگ بزرگی از پرستش را می خوانند و می خوانند: "خدا مهربان است و رحمتش برای همیشه است تا ابدالابد " . و در حالی که آنها آواز می خوانند ، معبد جدید پر از ابر است. همان ابری که قله کوه سینا را پوشانده بود هنگامی که موسی ده فرمان را در آنجا از خدا دریافت کرد و همان ابری که هنگام تعمید عیسی مسیح بیرون آمد و این صدا از او برآمد : "این است پسر عزیز من ، که من از او راضیم «. آنچه کاهنان و لایوان فقط با یک صدا آواز می خواندند این بود : "او مهربان است و رحمت او برای همیشه دوام می آورد" ، که با ورود به معبد ، "خدا" احساس خواهد شد "بله ، من واقعاً اینجا هستم. جایی که مرا ستایش می کنید ، من در میان شما هستم. "

چرا کاهنان و لایوان آواز می خوانند؟ - سوالی که پیش می آید: آیا می توانید چنین جشن بزرگی را در قرن بدون موسیقی و آواز تصور کنید؟ وقتی مردم می خواهند تفاوت ایجاد کنند ، معمولاً آواز می خوانند. وقتی حالمان خوب است ، خوشحال هستیم یا حتی عاشق می شویم ، آهسته سوت می زنیم. ما در دوش ، در استادیوم ، در کلیسا یا در یک مکان خصوصی آواز می خوانیم. ما آهنگهای عاشقانه و ترانه های عامیانه می خوانیم ، ترانه های قدیمی و ترانه های نظامی می خوانیم ، سرودهای کر و گاهی اوقات با آنها تاسف می خوریم .

تقدیس معبد و همچنین این یکشنبه حول و حوش ترانه های پرستش می باشد. ما مثل کاهنان و لایوان می خوانیم زیرا به ویژه در رابطه خود با خدا حرکت می کنیم. در آن زمان آنها به این دلیل نقل مکان کردند که خدا همسایه آنها شد ، بنابراین باید همانند آنها حرکت کنیم. برعکس ، این همسایه کسی نبود که امکانات زندگی خود را محدود کند. آنها از تجربه طولانی که با او داشتند می دانستند که : او

مهربان است ، ما با او همه چیز را خوب و عالی پیدا می کنیم . او همواره به ما کمک می کند ، آنجاست که برای ما وجود او حس می شود و او به ما اهمیت می دهد. رحمت او تا ابد ادامه دارد ، او در ارتباط گرفتن با ما سخت گیر نیست ، حتی اگر او را ناامید کنیم یا به او صدمه بزنیم. ما می توانیم به محبت او تکیه کنیم و اعتماد داشته باشیم . این واقعیت که او نمی خواست فاصله خود را با آنچه که از پیش آدمی انجام داده بود از او دور نگه دارد ، همیشه با انسان همراه بود ، داشتن چنین یاور و نجات دهنده ای در کنارمان باعث آواز خواندن و تشویق می شود.

برای ما به عنوان مسیحیان ، این موضوع بسیار خاص تر شده است. برای ما خدا در سایه ابر باقی نماند، بلکه برخود پیکر انسانی گرفت . در عیسی مسیح می توانیم با او روبرو شویم ، صدای او را بشنویم ، رفتار او را نسبت به خود را بشناسیم. چه نوع صبر و شکیبایی با ما دارد. او چه اعتمادی به ما می کند؟ او از هر آنچه در اختیار ما است استفاده می کند. ما همه چیز او هستیم. و این عیسی مسیح نه تنها به عنوان همنشین ما تبدیل می شود ، بلکه او شخصاً وقتی با نان و شراب به نزد ما می آید ، در ما ساکن می شود . این افق ها و فرصت هایی را باز می کند که هرگز بدون آن ، هرگز نمی دیدیم. هرکسی که با عشق، شیفته او شود ، نمی تواند غیر از برای او چیزی بخواند - حتی اگر او فقط در حمام آواز بخواند. برای او کاملاً مشخص است که چرا آواز می خواند.

هنوز یک سوال باقی مانده است. منظور من این نیست که آیا این ترانه ها قدیمی یا جدید هستند ، آهنگ هایی با موسیقی همراه با گیتار ، چه آهنگ هایی با صدای بلند و چه آرام ، به صورت عمده یا جزئی و یا کاملاً متفاوت. منظور من این نیست که فقط می توان خدا را با صدایی عجیب ستایش کرد. برای او ، يك كلاغ مطمئناً به زیبایی یک بلبل آواز می خواند ، و من فکر می کنم که این برای همه ما نیز صدق می کند.

اما باید از فرصتهایی که داریم استفاده کنیم. هنگامی که معبد مورد تقدیر قرار می گیرد ، موسیقی است که به نمایش می گذارد که چه چیزی ممکن است: خواننده ها ، نوازنده های برنجی ، سنج ها - اینها نوعی صفحات برنز خمیده هستند که به هم زده می شوند . مطمئناً در هر مراسم پرستش همه اینها نبوده است . اما شما آنچه را می توانستید انجام دادید. واضح است : فقط بهترین ها برای خدا!

این ستایش باشکوه خداوند مطمئناً از بهشت سقوط نکرده است. انجام این امور انگار با دقت آماده بوده: "گویا کسی ترومپت و آواز خواند ، انگار صدایی شنیدید که از پروردگار تقدیر و تشکر می کند." همچنین به طوری که همه چیز دقیقاً در ریتم و لحن هماهنگ شده بود. اما همچنین می توان فهمید که کلیسا در ستایش خداوند متحد است. این فقط مربوط به گوش دادن و توجه به همدیگر نیست. مناجات جامعه چیزی جز خوانندگان انفرادی تشکیل نمی شود بلکه یک دلیل مشترک است. با آواز خواندن یک بدن سالم ، یک بدن مسیح را در تنوع اعضای خود به تصویر می کشد.

اما کلیسا نیز از لحاظ داخلی متحد است زیرا يك پیام اصلی را در خود جای می دهد: "خدا مهربان است و رحمت او برای همیشه دوام می آورد." این ستایش معمول خدا است که انسانها را اینجا جمع می کند که گویی آنها از یک پیکر هستند.

ستایش خدا به خاطر کارهای بزرگ او ، از یک سو یک امر مشترک ، نگرانی کل جامعه است. البته هرکسی می تواند خدا را برای خودش ستایش کند و در هر مکانی و در هر زمان و هر روز. اما تجربه حضور او در کتاب مقدس هرگز فردی نیست. همیشه هدف جامعه است. مطمئناً معبد از زمان عیسی مسیح برای ما هیچ معنای دیگری غیر از این نداشته است: به عنوان خانه خدا و محل فداکاری ، برای ما از قدیم الایام بوده است . در میان ما ، مسیح اکنون نه تنها در جاهای خاص ، بلکه در حال

حاضر جایی است که دو یا سه نفر به نام او جمع شده اند ، جایی که کلام او بلند است و شام خداوند را جشن می گیرند. اما همچنین روشن می کند که این فقط مربوط به برخوردهای فردی با خدا نیست - و این خوب است که اگر او را نه تنها برای خود بلکه در اجتماع نیز ستایش کنیم.

از طرف دیگر ، این ستایش فقط یک موضوع خصوصی نیست بلکه یک امر عمومی است. نه تنها در مراسم پرستش کلیسا ، بلکه با هر خدمات عمومی ، قدرت و عشق خداوند به تمام دنیا شهادت داده شود . به همان اندازه که گواهی ایمان ما از این واقعیت برخوردار است که در مراسم پرستش روزمره ما اتفاق می افتد ، که در آن ایمان باید در زندگی روزمره جهان شکل بگیرد ، بنابراین به صحنه های جشن و عمومی نیز احتیاج دارد که باعث می شود فرد گوش کند و متحیر شود.

و پس از آن نه تنها برای خدمت پرستش ، بلکه برای ما نیز صدق می کند: هر جا که قوم وی، او را جمع و ستایش کنند ، جلال خدا نشان داده می شود. او در ابر به نزد ما نمی آید . بنابراین او به ما اجازه می دهد تا نزدیکی و عشق او را تجربه کنیم. آواز خواندن با هم و در ملاء عام پس از آن تشویقی برای خود و دیگران می شود - حتی در زمان بحران "کورونا". آمین